

دانشگاه ، مدرنیته وتحولات اجتماعی

نویسنده :

رسول ملکی راد

سرشناسه	: ملکی راد، رسول -
عنوان و نام پدیدآور	: دانشگاه، مدرنیته و تحولات اجتماعی / نویسنده رسول ملکی راد.
مشخصات نشر	: تهران: چاپخش، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	: ۲۴۸ ص. : ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-600-6799-21-6 ۱۴۰,۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دانشگاه و تغییرات اجتماعی -- ایران
موضوع	: تجدد -- ایران
موضوع	: تحولات اجتماعی -- ایران - تاریخ - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۹م۷ الف / LC ۲۳۸/۴
رده بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۰۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۲۳۰۸۲

بنام خدا



انتشارات چاپخش

دانشگاه، مدرنیته و تحولات اجتماعی

نویسنده: رسول ملکی راد

طراح: پنجره - صفحه آرایی: غفاری

چاپ و صحافی: پژمان

چاپ اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۱۴۰,۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات چاپخش

ناشر برگزیده و عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲

تلفن: ۶۶۴۰۴۱۱۰ فاکس: ۶۶۴۹۳۴۷۵ صندوق پستی: ۱۷۳۷-۱۳۱۴۵

کلیه حقوق محفوظ است

ISBN:978-600-6799-21-6

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۹-۲۱-۶

فهرست مطالب

پیشگفتار ۷

بخش اول : دانشگاه و زمینه‌های شکل‌گیری مدرنیته انتقادی ۱۱

۱- فضای دانشگاهی، روشنفکران و گفتمان انتقادی ۱۸

۲- روشنفکران، دانشگاه و جنبش دانشجویی ۲۱

بخش دوم : مدرنیسم، تغییرات اجتماعی - فکری و زمینه‌های شکل‌گیری

آموزش مدرن و نهاد دانشگاه در ایران ۳۷

۱- ضرورت‌های تاریخی، نوسازی و نخستین تکاپوهای مدرنیسم و آموزش مدرن در

ایران ۴۱

۲- تحول آموزشی و فرایند تجدد در ایران ۵۴

۳- دارالفنون، تحول آموزشی و فرایند تجدد ۵۸

۴- دانشگاه و چالش‌های آن ۶۴

بخش سوم : دانشگاه، مدرنیته و تغییرات اجتماعی در ایران ۷۱

۱- مدرنیسم، دانشگاه و تحول در قشر بندی اجتماعی و منازعه سیاسی ۷۶

۲- سیاست، مدرنیته، دانشگاه و جنبش دانشجویی ۸۷

۱-۲- عصر پهلوی اول: از ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ ۸۹

۲-۲- عصر پهلوی دوم: از شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ ۱۰۰

۱-۲-۲- ایدئولوژی، نیروهای سیاسی، روشنفکران و دانشگاه (از شهریور ۱۳۲۰ تا

آذر ۱۳۳۲) ۱۰۳

- ۲-۲-۲- روشنفکران مذهبی، دانشگاه و تحولات اجتماعی ۱۳۰
- ۲-۲-۳- جنبش دانشجویی و کنش سیاسی ۱۶۷
- ۲-۲-۴- تحول گفتمانی روشنفکران و زمینه‌های شکل‌گیری رادیکالیسم سیاسی و اجتماعی ۱۸۰
- بخش چهارم: درنگی بر مناسبات دولت، دانشگاه و جامعه در ایران بعد از انقلاب ۲۰۹
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۲۳۱
- کتاب‌نامه ۲۳۹
- منابع لاتین ۲۴۸

پیشگفتار

هرچند سابقه وجود نهادهای سنتی آموزشی در جامعه ایران همواره از پیشینه تاریخی برخوردار بوده است اما مدت زمان پیدایش نهاد مدرنی همچون دانشگاه با تعاریف و کارویژه‌های جدید آن به زمانی کمتر از یک قرن می‌رسد. با وجود این مسأله تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی معاصر ایران چنان با این نهاد مدرن در هم تنیده شده است که بدون توجه و نگاه به اهمیت و جایگاه این نهاد مدرن و کارویژه‌های آن ارزیابی و آرایه‌ی مدل‌های مطالعاتی و چارچوب‌های پژوهشی روشمند در خصوص جامعه‌ی معاصر ایران و دگردیسی‌های اجتماعی و فکری آن عاری از خطا و ضعف تئوریک و خلاءهای تحلیلی نخواهد بود. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که نخستین طلیعه‌ی تجددگرایی و لزوم مدرنیسم در عصر قاجار و بویژه دوره ناصری در نظر گرفته شود. در تیررس قرار گرفتن جغرافیای طبیعی و ژئوپولتیک جامعه‌ی ایران در این مقطع تاریخی توسط یک جغرافیای (فکری و سیاسی) دیگری به نام غرب محصور در مرزهای طبیعی نماند و سایر عرصه‌های فکری و اندیشگی این جامعه را نیز درهم نوردید. در برابر چنین موجی بود که رهیافت تجدد و نوسازی (مدرنیسم) به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در مقابل نهادهای متصلب تاریخی و سیاسی قرار گرفت و رفته رفته با چالش‌های بسیار فراوان به یک پارادایم غالب حتی در میان بخشی از نخبگان نظام حکومتی تبدیل شد. از

رهگذر چنین فرایندی بود که سر انجام زمزمه‌های ضرورت تجهیز به علوم مدرن و ایجاد نهادهای تخصصی ترویج دستاوردهای فنی و تکنولوژیک غرب دست بالا را به خود گرفت.

فرستادن نخستین دسته‌های دانشجویان ایران به کشورهای اروپایی، تأسیس مدرسه‌های همچون دارالفنون و دعوت از اساتید مدعوی خارجی برای تدریس در این مدرسه از جمله اقداماتی بود که بعدها در جریان مدرنیسم دولتی پهلوی اول شکل سازمان یافته‌ای به خود گرفت و با تأسیس اولین دانشگاه رسمی کشور در سال ۱۳۱۳ در تهران و بعدها با تأسیس و گسترش آن در سایر شهرهای اصلی ایران و همچنین در خود مرکز چنین نهاد مدرنی در کانون تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر ایران قرار گرفت. شکاف سنت و مدرنیته و تبدیل شدن مدرنیسم به یک ایدئولوژی و مانیفست برای طبقه‌ی حاکم و نخبگان سیاسی مسلط از یک سو و تغییرات پارادایمی گفتمان‌های مسلط فکری و سیاسی بواسطه جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی و سیاسی از جمله عواملی بودند که فضاهای آموزشی و دانشگاهی را متأثر از خود ساختند. ماهیت دانشگاه و تغییرات اجتماعی و شکل‌گیری جریان‌های روشنفکری و ارتباط این جریان‌ها با نهادهای مدرن اجتماعی از جمله دانشگاه همواره مسائلی هستند که در تغییر فرهنگ سیاسی و تغییر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر بوده‌اند. شرایط در حال گذار و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی تولید شده در ساخت جامعه و بحران‌های ناشی از این شکاف‌ها، تحول در طیف گسترده‌ای از مسائل اجتماعی مانند هویت، جنسیت، طبقه و همچنین تحول در ساخت نظام هنجاری و ارزشی را به دنبال داشته است. صورتبندی اجتماعی این مسائل پروبلماتیک و ظاهر شدن آنها در شکل گفتمانهای فکری- سیاسی و انعکاس و بازتاب این صورتبندی‌ها در دانشگاه‌ها این نهاد علمی را با نهاد سیاست و ساخت

سیاسی-اجتماعی جامعه پیوند می‌دهد. شکل‌گیری جنبش دانشجویی و ارتباط آن با سایر جنبش‌های اجتماعی و تأثیر گذاری و یا تأثیر پذیری آن از فرایند سیاست، تحول در شیوه‌ها و صورت‌بندی اشکال مختلف مشارکت و کنش سیاسی دانشگاه را در پی داشته است.

مشارکت سیاسی دانشگاه در جنبش‌های اعتراضی و حرکت‌های سیاسی در ایران پیش از انقلاب و سهم و جایگاه دانشگاه در پیشبرد فرایندی که سر انجام به انقلاب ۱۳۵۷ انجامید و همچنین پایگاه اجتماعی و نقش سیاسی دانشگاه در تحولات سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب پیوسته از موضوعاتی هستند که می‌تواند به رابطه نهاد دانشگاه با تحولات اجتماعی و سیاسی و فراز و فرودهای پارادایم مدرنیته در ایران بپردازد. در کنار چنین مسائلی موضوع علوم انسانی و اجتماعی و جایگاه و کارکردهای معرفت‌شناسانه آن در بسط و تعمیق مفاهیم فلسفی و اجتماعی و همچنین باز تولید چنین مفاهیم و نظریه‌هایی در ساخت انضمامی و پراکسیس اجتماعی جامعه، سویه‌های مختلفی از سیاست، روشنفکری، مدرنیته و ارتباط دانشگاه با این مفاهیم و تحولات اجتماعی را در سپهر سیاسی - اجتماعی جامعه ایران بیان می‌کنند، به ویژه آنکه چنین فرایندی در سال‌های اخیر با موج پرشتاب جهانی شدن باز خورد ها و باز تاب‌های متفاوتی را در لایه‌ها و نهادهای مختلف سیاسی - اجتماعی در بر داشته است. با توجه به این مسائل در کتاب حاضر تلاش بر آن است که دست کم به برخی از این موضوعات مورد اشاره پرداخته شود. از این رو در فصل اول با یک رویکرد نظری به موضوع دانشگاه و زمینه‌های شکل‌گیری مدرنیته انتقادی پرداخته ایم که به فضای دانشگاهی و رابطه آن با گفتمان‌های انتقادی و روشنفکری و همچنین به موضوع جنبش دانشجویی و روشنفکران می‌پردازد. در بخش دوم به موضوع مدرنیسم و ضرورت شکل‌گیری آموزش مدرن در ایران پرداخته شده که

تأثیر این فرایند در ایجاد تغییرات اجتماعی و فکری و شکل گیری تجدد را مورد توجه قرار می‌دهد. تأسیس نهاد مدرنی به نام دانشگاه در دوره پهلوی اول سرآغاز مرحله نوینی بود که نقش و تأثیر فزاینده‌ای در تسریع فرایند تحولات سیاسی و اجتماعی و شکل گیری جریان‌های روشنفکری و گفتمانی داشته است، این مسائل محور موضوعاتی هستند که در بخش سوم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. سرانجام اینکه در بخش چهارم نیز به مسأله دانشگاه و ارتباط آن با دگردیسی‌های سیاسی و اجتماعی در دوره ایران بعد از انقلاب پرداخته شده است که طی آن برخی از مؤلفه‌های حاکم بر مناسبات دولت، دانشگاه و جامعه و تغییرات شکل گرفته در چارچوب‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرند.

در پایان لازم می‌دانم که ضمن سپاسگزاری از زحمات کارکنان محترم انتشارات چاپخش، یاد و خاطره مدیر فقید آن - زنده یاد جناب آقای رسول دادمهر - را گرامی بدارم. انسان شریف و بزرگواری که در عین فروتنی خود وارث و نمودی از یک نسل کوشنده‌گان در راه اعتلای فرهنگ و دانشگاه بود. راهش پر دوام و پر رهرو باد

رسول ملکی راد

زمستان ۹۳